

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

هانا آرنت: هشتاد سالگی مارتین هایدگر تَجَدُّدِ اَمْتَال: تجدید سنت

جلسه هفدهم

شنبه ۲۳ - ۰۶ - ۱۴۴۲؛ ۱۸ - ۱۱ - ۱۳۹۹؛ ۰۶ - ۰۲ - ۲۰۲۱

بیرون از خود برای او

• خدای تعالی می‌فرماید:

قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جَنَّةٍ إِن هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ (سبأ ۳۴:۴۶)

(بگو جز این نیست که پند می‌دهم شما را به یکی، که قیام کنید برای الله دو دو، و یک یک. سپس، تفکر کنید، نیست صاحب شما را هیچ پوشیدگی‌ای، نیست او مگر بیم دهنده‌ای برای شما پیش از عذابی شدید!)

خود/دیگری

- رفتن سوی خود اشیاء
- مسأله اسلام ناب، یا هر چیز ناب؟
- ناب یعنی چه؟

خود/دیگری

• سوپرمدل حلیمه آدن: 'چرا دنیای مد را کنار گذاشتم'

<https://www.bbc.com/persian/magazine-55936371>

خود/دیگری



خود/دیگری



خود/دیگری



خرقه صحبت

• شمس تبریزی (مقالات شمس تبریزی، دفتر اول، ص ۱۳۴-۱۳۳):

[هرکسی سخن از شیخ خویش گوید ...]
هرکسی سخن از شیخ خویش گوید. ما را رسول- علیه السلام- در خواب خرقه داد، نه آن خرقه که بعد از دو روز بدرد، و ژنده شود، و در تونها افتد، و بدان استتجا کنند، بلکه خرقه صحبت. صحبتی نه که در فهم گنجد، صحبتی که آن را دی و امروز و فردا نیست. عشق را با دی و با امروز و با فردا چه کار؟

چیستی/کیستی؟

- Foucault, Michel 1998. "What Is an Author?" In James D. Faubion (ed.), *The Essential Works of Foucault 1954 – 1984*, Volume 2. New York: The New Press, pp. 205-222.

میشل فوکو، "پدید آورنده چیست؟" ترجمه عزت الله فولادوند، نشریه هنر: تابستان ۱۳۷۳ - شماره ۲۵: ص ۳۷۶-۳۵۹. (با اندکی ویرایش، و دخل و تصرفاتی چند در ترجمه):

مُهرِ تو بی نشان بُود

Consequently, it is not enough to declare that we should do without the writer (the author) and study the work itself. The word *work* and the unity that it designates are probably as problematic as the status of the author's individuality. (p. 208)

بنابراین، کافی نیست که اعلانیه بدهیم که ما باید بدون نویسنده (پدیدآورنده) کار کنیم، و به خود اثر پردازیم. واژه اثر و وحدتی که بدان اشاره دارد همان قدر محلّ اشکال است که جایگاه فردیت پدیدآورنده.

وای آن زنده که با مُرده نشست

تصور دیگری که ما را بازداشته است از آن که به طور کامل بررسی کنیم ناپدید شدن پدیدآورنده را، مبهم و پنهان شدن اهمیت این محو و حفظ با ظرافت در میان بودن پدیدآورنده، مفهوم نوشتار (اثر) است. هنگامی که دقت بکار برود، این مفهوم باید ما را اجازه دهد تا نه تنها دور زنیم اشارات به پدیدآورنده را، بلکه هم چنین تعیین وضعیت کنیم غیبت اخیرش را.

وای آن زنده که با مُرده نِشست

مفهوم نوشتار به گونه‌ایی که در حال حاضر بکار برده می‌شود، نه با عمل نوشتن کاری دارد، و نه با اشاراتی- خواه عارضه یا نشانه- به معنایی که کسی احياناً خواسته است ابراز کند. ما، با تلاشی فراوان، می‌کوشیم تا تخیل کنیم شرایط عمومی هر متنی را- هم شرایط فضایی را که متن در آن نشر می‌یابد و هم زمانی را که در آن گشوده می‌شود.

ای تو به نور مُسْتَقِل، وئی ز تو اَخْتِرَانِ خَجَلِ بَس دودلی میانِ دل ز اَبْرِ گُمانِ چرا؟ چرا؟

اما در تداول کنونی، تصور نوشته به نظر می‌رسد ویژگی‌های عینی پدیدآورنده را به گمنامی‌ایی استعلایی بسپارد. ما بر آن هستیم تا محو کنیم علائم آشکارتر عینیت پدیدآورنده را از طریق بازی کردن با، یکی علیه دیگری، دو شیوه تشخص بخشیدن به نوشتار، یعنی، رویکردهای نقدی و مذهبی. نوشتار را جایگاه اصیل بخشیدن به نظر می‌رسد راهی بوده باشد برای بازترجمه نمودن، به تعبیر استعلایی، هم تصدیق کلامی خصلت قدسی آن را و هم تصدیق نقدی خصلت خلاق آن را.

بَس دودلی میانِ دل ز ابرِ کُمانِ چرا؟ چرا؟

پذیرفتن این که نوشتار، دقیقا به خاطر خود آن تاریخی که ممکن ساخته است، محکوم است به محکّ محو و سرکوب، به نظر می‌رسد، به تعبیر استعلایی، بیانگر اصل مذهبی معنای پنهان بوده باشد (که نیاز دارد به تفسیر) و اصل نقدی دلالت‌های تلویحی، عزم‌های خامش، و محتواهای مبهم (که باعث شرح می‌شود). تخیل کردن نوشتار به عنوان غیبت به نظر می‌رسد که تکرار ساده‌ای باشد، به تعبیر استعلایی، هم اصل مذهبی تبدیل ناپذیر بودن و در عین حال هرگز اکمال نیافته سنت (میراث) را، و هم اصل زیباشناسانه بقای اثر، گستره یافتنش فراتر از مرگ پدیدآورنده، و دسترسی اسرارآمیزش در ارتباط با او را.

بَس دودلی میانِ دل ز ابرِ کُمانِ چرا؟ چرا؟

این استفاده از مفهوم نوشتار به همراه دارد خطر بر قرار نگهداشتن امتیازهای ویژه‌ی پدیدآورنده را در صیانتِ [فهمی] ما قبل تجربی: آن زنده نگه می‌دارد، در منطقه خاکستری خنثی‌سازی، تعامل آن نمایه‌هایی (representations) را که تصویری خاص از پدیدآورنده برمی‌سازند. ناپدید شدن پدیدآورنده که از زمان مالارمه، پیوسته رویدادی بازآینده بوده است، مواجهه با یک سلسله از موانع استعلایی بوده است. به نظر می‌رسد که خط افتراقی مهمی وجود داشته باشد بین آنان که باور دارند

بَس دودلی میانِ دلِ ز ابرِ کُمانِ چرا؟ چرا؟

که آنان هنوز می‌توانند جایابی کنند گسست‌های امروزی را در میراث تاریخی-استعلایی قرن نوزدهم و بین آنان که می‌کوشند تا رها سازند خودشان را یک بار برای همیشه از این میراث.

با این حال، تکرار تو خالی این ادّعا که پدیدآورنده ناپدید شده است کافی نیست. به همین دلیل، کافی نیست تکرار کردن این که خدا و انسان مرده‌اند به مرگی مشترک. بلکه، ما باید جایابی کنیم فضایی را که تهی ترک شده است توسط ناپدید شدن پدیدآورنده، دنبال کنیم توزیع شکاف‌ها و جستن‌ها (پرش‌ها) را، و جستجوی کنیم منفذهای را که این ناپدید شدن پدیدار می‌نماید.

بَس دودلی میانِ دل ز ابرِ کُمانِ چرا؟ چرا؟

نخست، باید به اختصار توضیح دهیم مسائلی را که از استفاده‌ی نام پدیدآورنده برمی‌خیزند. چیست نام یک پدیدآورنده؟ چگونه انجام وظیفه می‌کند؟ بدون آن که خواسته باشم به هیچ وجهی راه حلّی پیشنهاد کنم، خواهم کوشید تا اشارتی داشته باشم تنها به برخی از مشکلاتی که پیش روی می‌نهد.

نام پدیدآورنده نامی خاصّ است، و در نتیجه پدیدار می‌نماید مسائل مشترک تمامی نام‌های خاصّ را (در اینجا اشاره خواهم داشت به تحلیل‌های [جان] سرل، علاوه بر دیگران). آشکارست که نمی‌توان نامی خاصّ را تبدیل کرد به مرجعی صرف و ساده.

بَس دودلی میانِ دل ز ابرِ کُمانِ چرا؟ چرا؟

غیر از کارکردهای نشانگری، [کارکردی دیگر] دارد: علاوه بر یک نشانگر، اشاره، انگشتی اشاره‌گر سوی کسی بودن، برابر است با توصیفی. ... اسم خاصّ و اسم پدیدآورنده بین دو قطب توصیف و تخصیص قرار دارند: آن دو باید پیوندی معین با مسمای خود داشته باشند، امّا پیوندی که تماما نه به شیوه تخصیص باشد، و نه به شیوه توصیف؛ آن باید پیوندی خاصّ باشد. با این حال- پیوندهای بین اسم خاصّ و فرد مسمّا و بین نام پدیدآورنده و آنچه می‌نامد هم‌ریخت نیستند و کارکردی یکسان ندارند. چندین تفاوت در کار است.

بَس دودلی میانِ دل ز ابرِ کُمانِ چرا؟ چرا؟

مثلاً، اگر پیئر دوپون چشمان آبی نداشته باشد، یا در پاریس متولد نشده باشد، یا پزشک نباشد، نام پیئر دوپون هنوز همواره به یک شخص بر می‌گردد؛ این گونه چیزها تغییر نمی‌دهند (جرح و تعدیل نمی‌کنند) پیوند تخصیص را. مسائل ناشی از نام پدیدآورنده بسیار پیچیده‌تر هستند، با این حال. اگر من کشف کنم که شکسپیر در خانه‌ای که ما امروز آن را دیدن می‌کنیم متولد نشده بود، واضح است که این تغییری است که، کارکرد نام پدیدآورنده را دگرگون نخواهد کرد.

بَس دودلی میانِ دل ز ابرِ کُمانِ چرا؟ چرا؟

ولی اگر ثابت کنیم که شکسپیر غزل‌هایی را که از او دانسته می‌شود نسروده است، این تغییری است پر اهمّیت و تاثیر می‌گذارد بر شیوه‌ای که نام پدیدآورنده عمل می‌کند. اگر ثابت کنیم که شکسپیر ارغنون بیکن را نوشته است با نشان دادن این که یک پدیدآورنده هم آثار بیکن را نوشته است و هم آثار شکسپیر را، این سومین نوع تغییر خواهد بود که کاملاً کارکرد نام پدیدآورنده تغییر خواهد داد. بنابراین، نام پدیدآورنده صرفاً یک اسم خاص مانند بقیه نیست.

بَس دودلی میانِ دل ز ابرِ کُمانِ چرا؟ چرا؟

داده‌های بسیار دیگری اشاره دارند به احدیت معضلی (paradoxical) نام نویسند. گفتن این‌که پیئر دوپون وجود ندارد به هیچ‌روی مانند گفتن این نیست که هومر یا هرمس تریسمگیستوس وجود نداشته‌اند. در مورد اول، آن بدین معناست که هیچ‌کس دارای نام پیئر دوپون نیست؛ در مورد دوم، بدین معناست که چندین شخص تحت یک نام باهم خلط شده‌اند، یا پدیدآورنده‌ی حقیقی دارای هیچ‌یک از خصایصی نبوده است که به طور سنتی به شخصیتی [متصوّر و موسوم به] هومر یا هرمس نسبت داده شده است. ...

بَس دودلی میانِ دل ز ابرِ کُمانِ چرا؟ چرا؟

این تفاوت‌ها احیانا از این واقعیت نتیجه می‌شوند که نام پدیدآورنده صرفا عنصری (مؤلفه‌ای) از مبحث نیست (قابل آن که مسندالیه یا مسند قرار گیرد، قابل جایگزین شدن با ضمیری، و مانند این)؛ [بلکه] نقشی معین را در ارتباط با مبحث روایی ایفاء می‌کند، که کارکردی دسته دسته‌گر را تضمین می‌کند. چنین نامی اجازه می‌دهد ما را تا شمار معینی از متن‌ها با یکدیگر گرد آوریم، آنها را تعریف کنیم، آنها را جدا سازیم از و مقابل گردانیم آنها را با [متن‌های] دیگر. افزون بر این، نام پدیدآورنده رابطه‌ایی را میان متن‌ها برقرار می‌کند.

بَس دودلی میانِ دل ز ابرِ کُمانِ چرا؟ چرا؟

نه هر مس ریسْمِ گیسْتُوَس وجود داشته است، و نه بقراط- به معنایی که بالزاک وجود داشته- ولی خود این واقعیت که چندین متن تحت یک نام قرار داده شده‌اند بیانگر آن است که میان آنها رابطه‌ی همگنی، همخویشی، احراز اصالت برخی متن‌ها با استفاده از برخی دیگر، تفسیر متقابل، یا بهره‌وری تبعی بر قرار شده است. نام پدیدآورنده برای مشخص کردن شیوه‌ای خاص از بحث به کار می‌رود: این واقعیت که مبحث دارای نام یک پدیدآورنده است، این که می‌توان گفت، "این توسط فلانی-و- فلانی نوشته شده است"،

پدیدآورنده/مبحث

یا "فلانی-و-فلانی پدیدآورندهی آن است،" نشان می‌دهد که این مبحث گفتار عادی روزمره نیست، که بیاید و برود، چیزی نیست که بی‌درنگ مصرف‌شدنی باشد. به عکس، سخنی است که باید به شیوه‌ی خاصّ دریافت شود، در فرهنگی معین، باید جایگاهی معین را دریافت کند.

چنین می‌نماید که نام پدیدآورنده، برخلاف سایر نام‌های خاصّ، از درون یک مبحث عبور نمی‌کند به شخص برونی و واقعی که آن را بر ساخته است؛